

بررسی کارآیی بالکن و بهینه‌سازی آن در مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی (مطالعه موردی: مناطق ۷ و ۸ تهران)

آرین مظفری نژاد

دانشجوی دکتری معماری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

سید مجید مفیدی شمیرانی^۱

استادیار معماری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

ریما فیاض

دانشیار معماری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۴/۰۵

چکیده

آپارتمان‌های با مساحت کم، تهویه نامناسب و فاقد فضاهای نیمه‌باز مانند بالکن از چالش‌های امروز زندگی سکونتگاه‌های انسانی است که باید با برنامه‌ریزی و ساخت‌وسازهای علمی نسبت به رفع آن اقدام شود. بررسی کارآیی بالکن و روش‌های بهینه‌سازی آن در آپارتمان‌های مسکونی. در این پژوهش پرسش‌نامه‌هایی برای تمام گروه‌های سنی ۱۰ تا ۸۰ ساله تنظیم شد و بالغ بر ۱۰۰ بالکن در مناطق ۷، ۸ تهران و پردیس و پرند بررسی شدند. برای تحلیل داده‌ها نیز از نرم افزار spss استفاده شد. محدوده مورد مطالعه با وسعتی معادل ۱۵۳۳۵۲۱۲.۴۱ متر مربع، ۱.۲ درصد مساحت کل شهر تهران را تشکیل می‌دهد و از لحاظ وسعت مقام پانزدهم را در بین مناطق شهر تهران دارا می‌باشد. جمعیت ساکن منطقه ۱۹۴.۳۱۲ نفر است. منطقه ۸ تهران نیز با مساحت ۱۳۳۹ هکتار و جمعیت ۳۷۷۸۰۶ در محدوده شرقی تهران قرار دارد. بالکن در مناطق مورد بررسی به دلایلی مانند نداشتن حریمیت، جانمایی غلط از لحاظ طراحی فضای معماری، موقعیت نامناسب در جهت‌های اقلیمی، مساحت کم و همچنین عدم امنیت، فقدان فضای سبز و ... از کارایی مناسبی برخوردار نیست. نتایج پژوهش نشان داد که عدم شکل‌گیری فضای خصوصی مناسب و حفظ حریم شخصی در فضاهای نیمه‌باز، مهم‌ترین عامل کارکرد ضعیف بالکن در واحدهای مسکونی محسوب می‌شوند که باید در جهت رفع آنها برنامه‌ریزی شود.

کلیدواژه‌گان: بالکن، کارآیی، بهینه‌سازی، آپارتمان، مناطق ۷ و ۸ تهران

مقدمه

محیط مسکونی باید برآورنده نیازهای مختلف انسانی باشد. نیازهایی مانند نیاز به محافظت، داشتن ثبات و استقلال، احساس پیوستگی با طبیعت، تمایل به ابراز وجود، نیاز به زیبایی و هماهنگی اشکال و رنگ‌ها، بهره‌مندی از مناظر و چشم‌اندازهای دلپذیر، نیازهایی واقعی هستند که نمی‌توان به آنها بی‌توجه بود و محیط مسکونی باید بتواند به این نیازها پاسخی مناسب دهد. یک تجربه معماری چشمگیر، کلیه گیرنده‌های فیزیکی و روانی ما را حساس می‌کند. درک ساختار احساس، به خاطر گستردگی و گوناگونی آن دشوار است. در تجربه، ما ترکیبی زیست-شناختی، فرهنگی، جمعی، فردی، خودآگاه، ناخودآگاه، تحلیلی، عاطفی، ذهنی و فیزیکی می‌یابیم (گلابی و همکاران، ۱۳۹۸: ۹۱۶). امروزه با وجود پیشرفت دانش و توان مهندسی و تکنولوژی ساخت، هیچکدام نتوانسته‌اند در بالا بردن کیفیت فضاها و ارزش‌های معماری متناسب با زندگی انسان معاصر کمک شایانی کنند؛ به گونه‌ای که فضاها معماری امروز به فضاها تک-بعدی و فاقد معنی تبدیل شده و کیفیت یکسانی پیدا کرده‌اند. علاوه بر این، تکنولوژی موجب شده بر خلاف تفاوت‌های فرهنگی، اقلیمی، بومی که در محیط موجود می‌باشد، بناها در نقاط مختلف کشور یکسان شده و آنچنان تفاوتی با هم نداشته باشند. این موضوع موجب تقلیل کیفیت فضاها گشته و باعث شده فضاها آنچنان دلچسب و مطبوع نباشند و کیفیت فضاها از بین برود؛ در حالی که با دقت در مسکن سنتی ایرانی که بر اساس تکنولوژی بومی شکل گرفته است به این موضوع پی می‌بریم که می‌توان با استفاده از تکنولوژی بومی در تمام نقاط خانه، حال و هوا و کیفیت‌های متفاوتی را بسته به کاربرد آن فضا به وجود آورد.

در دهه‌های اخیر گسترش عمودی مسکن و افزایش آپارتمان‌نشینی رشد بی‌سابقه‌ای پیدا کرده است. با افزایش جمعیت و پدیده مهاجرت از یک سو و کاهش بعد خانوار از سوی دیگر، شهرهای زیادی متولد و شهرهای موجود به صورت بی‌رویه رشد کردند. کمبود زمین مناسب، تمایل به همجواری با مراکز شهری و تجاری شدن مسکن سبب افزایش تراکم و آپارتمان‌نشینی شد. اما در این میان خلاء ناشی از حذف فضاهای اصیل و کیفی، مانند حیاط و ایوان یا تجلی آنها در کالبد بالکن‌های نامناسب، پس از دهه‌ها شدیداً احساس می‌شود. رشد شهر و افزایش تراکم شهری به تنهایی به منظور جوابگویی به مشکلات، نگاهی با مختصات کمی بوده و کیفیات در آن نادیده انگاشته می‌شود (اسلامی و ایروانی، ۱۳۸۷).

در این تحقیق سعی بر این است که ارزشهای معماری گذشته روشن‌تر شود. به همین دلیل پس از جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز به روش میدانی و مقایسه نمونه‌ها در حوزه معماری و سازه بر اساس شباهت‌ها و تفاوت‌ها، نتایج مورد نظر جهت بهره‌گیری مطلوب حاصل خواهد شد. ماهیت پژوهش کیفی و غایت آن تحلیلی و توصیفی است که به روند ساختار فضاهای نیمه‌باز از گذشته تاکنون پرداخته شده است.

برای روشن شدن موضوع و شناسایی عوامل مؤثر بر رضایت‌مندی از بالکن و الویت‌بندی راهکارهای طراحی بالکن مطلوب، تلاش بر این است که ابتدا با استفاده از واژه‌شناسی و مطالعات کتابخانه‌ای، ضمن آگاهی از نظریه‌های پژوهشگران دیگر، چهارچوب کار مشخص شود. سپس جمع‌آوری و تحلیل اطلاعات به منظور تأثیر محرمیت، ابعاد، منظر و طراحی بالکن، به عنوان متغیرهای مستقل بر میزان رضایت‌مندی و کارایی آن، به عنوان متغیرهای وابسته با استفاده از پرسش و مصاحبه ادامه یافت.

مبانی نظری

وجود بالکن در ساختمان به عنوان یک عرصه بینابینی حائز اهمیت است. همانطور که از نام آن پیداست، عرصه بینابینی عرصه ای است که اتصال بین عرصه خصوصی و عمومی را تعیین می‌کند. جدایی و یا اتصال دو فضا همیشه نیازمند فضای دیگری است تا ساختار پیدا کند (یعقوبی، ۱۳۹۳). اهمیت این اتصال وقتی بیشتر می‌شود که از طرفی بایستی فضای داخلی فضایی باشد محصور و بسته در مقابل محیط خارج و از طرفی دیگر بایستی قطعاً بین دو فضا ارتباطی وجود داشته باشد. چرا که هر دوی این فضاها محیط زندگی انسان را تشکیل می‌دهند و دارای ضرورت حیاتی می‌باشند.

خلق یک مکان نیازمند یک مرز میان درون و بیرون است و نحوه نگرش انسان به آن مکان در تعیین چنین مرزی تأثیرگذار است. تفاوت انسان‌ها در هویت فرهنگی‌شان موجب تفاوت در نحوه به ظهور رسیدن این درون و بیرون می‌شود. هر پیوندی که میان انسان و اطرافش بوجود می‌آید دارای حرمت و حدی است. می‌توان گفت مکان ظهور خود را آغاز می‌کند که چیزی مشخص کند اینجا یا آنجا باشد. در بناهای معماری فضاهای رابطی وجود دارد که با معانی، فرم‌ها و عملکردهای مختلف باعث پیوند فضاها می‌شود (شکل ۱). هرگاه چند بنا همزمان در حوزه دید ما قرار گیرند، روابطی بین آنها احساس می‌کنیم که این روابط، تنها از طریق فضاهای بینابین ایجاد می‌شود. اگر دو توده کاملاً کنار هم باشند، یکی از آنها جزئی از دیگری به حساب می‌آید و اگر فاصله دو توده خیلی زیاد باشد، دیگر رابطه‌ای بین آنها وجود ندارد. لذا چنین فضاهایی در طراحی نقش اتصال و ارتباط دهنده دارند و فضاها بدون آن معنای خاصی ندارند و مانند ظرفی تهی می‌باشند (یعقوبی، ۱۳۹۳).

در فضاهای معماری تاریخی ایران همانند سایر معماری‌ها احجامی را بر اساس نوع کاربری خلق می‌کنند که مجموعه‌ای از این احجام پیکره کلی بنا را شکل می‌بخشد. احجام صرفاً با یکدیگر متصل نمی‌شوند بلکه عناصر میانی، آنها را با یکدیگر متصل می‌نماید. این عناصر سبب می‌شوند سلسه مراتب فضا دارای معنی خاصی گردد. در واقع همین عناصر هستند که فضای بینابینی، یا فضای میانی را تولید می‌کند (جهاندار و لفافچی، ۱۳۹۶).

شکل ۱. نمای روبروی پشکن (ایوان) در ایبانه اصفهان



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

فضای سبز خصوصی در بعضی از مناطق مانند حاشیه کویر، تضاد فضایی و محیطی را در بر دارد و در مناطق شمالی، محیط را به فضای خصوصی پیوند می‌دهد. داشتن حیاط با حوض و باغچه از سنت های خوب و مفید

ایرانیان بوده است. در فضاهای سنتی ایرانی، جهت قرارگیری ساختمان، محل و ابعاد حیاط اهمیت خاصی دارد، و با وجود ضعف تکنولوژی اعصار گذشته، برای بهره‌گیری از هوای مطبوع و مطلوب در داخل فضای زیست، اقدام‌هایی به عمل می‌آمد و از طبیعت کمک گرفته می‌شد (شکل ۲). اما در عصر جدید و با وجود دسترسی به تجهیزات و تکنولوژی پیشرفته چنین مهمی را به فراموشی سپرده‌اند.

از بین رفتن و نادیده گرفته شدن تاثیر گذاری فضاهای باز مسکونی بر سلامت روانی ساکنین و اقصای مختلف است که باعث شده فضاهای باز مسکونی بستری مناسب برای زندگی شهری سرزنده جذاب و معنادار را فراهم ننماید. این امر موجب میشود صرفاً مکان‌هایی بدون توجه به نیازهای استفاده‌کنندگان ساخته شود که فضاهای عمومی آنها رضایت ساکنان را برآورده نساخته و برای آنها محیط‌های ناامن و ناخوشایند پدید آورده‌اند (مولایی هاشجین و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۲۶). در بناهای مسکونی امروزه، تنوع در عملکرد فضاها بسیار کم است، حس قلمرو ورود به یک فضای خصوصی متمایز از فضای عمومی وجود ندارد. نبود فضاهای نیمه باز و باز امکان تهویه طبیعی و حضور نور و باد را با کیفیت گذشته به حداقل کاهش داده است. اغلب خانه‌های معاصر از سیستم‌های خنک‌کننده برای تعدیل گرما و از سیستم حرارت مرکزی برای گرم کردن استفاده می‌کنند و کمتر این مسئولیت بر عهده سازمان فضایی خانه قرار دارد. امکانات زندگی آپارتمانی رابطه ساکنین با گل و گیاه و طبیعت را نیز به حداقل رسانده است (منتظر حجت، ۱۳۸۷).

فضاهای داخلی مکانی است که انسان‌ها ساعات متعددی از زندگی خود را در آن بسر می‌برند که اگر از لحاظ فیزیکی و روحی و روانی آسایش ساکنینش را تامین نکند، نهایتاً سلامت آنها را به مخاطر می‌اندازد. عدم توجه به نحوه زندگی ساکنین، نور مناسب، مصالح بوم‌آورد، گرمایش و سرمایش متناسب از مشکلاتی هستند که بناها اکثراً با آن مواجه و رنج می‌برند (فراستی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲). فضاهای نیمه باز، موجب ایجاد تنوع فضایی شده و کیفیت فضا را ارتقاء می‌دهند. همچنین حضور در این فضاها موجب می‌شود تا افراد، در عین برقراری ارتباط نزدیک‌تر با طبیعت، از آسایش اقلیمی برخوردار بوده و از تابش نامطلوب آفتاب یا بارش باران و برف، در امان باشند. بالکن، فضای باز خصوصی آپارتمان مسکونی است که ارتباط بصری و کارکردی میان فضاهای بیرونی محوطه، خیابان‌ها و فضای داخلی را برقرار می‌سازد.

شکل ۲. خانه قدیمی، تهران ۱۴۰۰



منبع: www.mehrnews.com

علاوه بر این، در شرایطی مانند شیوع بیماری کرونا و قرنطینه، مردم ناچار به ماندن در خانه هستند و وقتی به فضای بسته محدود شوند، در دراز مدت دچار خستگی مزمن و کسالت می‌شوند زیرا فضاهای بسته خانه‌ها نیازهای متنوع ساکنان را رفع نمی‌کند. البته فضای سبز داخل خانه مانند گلدان و پاسیو تا حدودی این موضوع را جبران می‌کند.

با اشاره به تحقیقاتی که در سال‌های گذشته انجام شده است، یکی از کاستی‌هایی که در این زمینه وجود دارد، بحث نگاه به فضاهای باز و نیمه باز واحدهای مسکونی شهری از سوی جامعه و در ضوابط و مقررات شهری است. نگاه به این موارد همچون فضاهای غیر مفید است، بیشتر ساخت و سازهایی که صورت می‌گیرد بر مبنای متراژ فضاهای بسته است و این طور بنظر می‌آید که پیش ورودی، حیاط، ایوان و بالکن ارزش زیادی نسبت به این فضاها ندارند.

این در حالی است که در معماری سنتی، فضای باز، هم ارزش و مکمل فضای بسته و در تعامل و تماس کالبدی و کاربردی با آن بود، همچنین فضاهای باز حاصل نگرش کلی به مجموعه بنا و جایگاه و روابط بین فضاهای باز و بسته بوده و در خانه‌های اقلیم گرم و خشک، حیاط مرکزی قلب خانه محسوب می‌شد. امروزه با تغییر الگوی معماری و شهرسازی به الگویی ساده و مناسب برای حرکت خودروها و شبکه معابر خطی با پلاک‌های شمالی و جنوبی و ۶۰ درصد ساخت در شمال پلاک مواجه هستیم، با این روند، جامعه شهرنشین نیز پس از چند دهه فراموش کرده است که این فضاها چه نقشی در زندگی آنها داشت.

از بالکن انتظار زیادی می‌توان داشت اما متأسفانه بسیاری از آنها به گونه‌ای طراحی و مبلمان شده‌اند که به درستی نمی‌توان از آنها بهره‌برداری کرد، به عنوان مثال در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ آپارتمان‌هایی ۲ تا چهار طبقه ساخته شدند که در سمت جنوب آن بالکنی با عرض یک تا ۲ متر وجود داشت و طول آن به اندازه عرض ساختمان بود که کارایی این بالکن‌ها از یک اتاق کمتر بود این درحالی است که از بالکن می‌توان مانند یک فضای نشیمن در هوای آزاد، غذاخوری و فضای بازی کودکان استفاده کرد. وقتی حضور مردم در فضای باز حیاط و بالکن کم‌رنگ و از طرف دیگر اوقات فراغت خانواده به تماشای تلویزیون و سرگرمی‌های رایانه‌ای محدود می‌شود تبعاتی مانند افسردگی و کم‌تحرکی ایجاد خواهد شد. یکی از مسائل مرتبط با این موضوع مربوط به ضوابط ساختمانی، معماری و شهرسازی در باره آپارتمان‌های مسکونی در شهرها است و بیشتر این ضوابط محدود به شاخص‌های کمی از جمله سطح اشغال، زیربنا و ارتفاع ساختمان است.

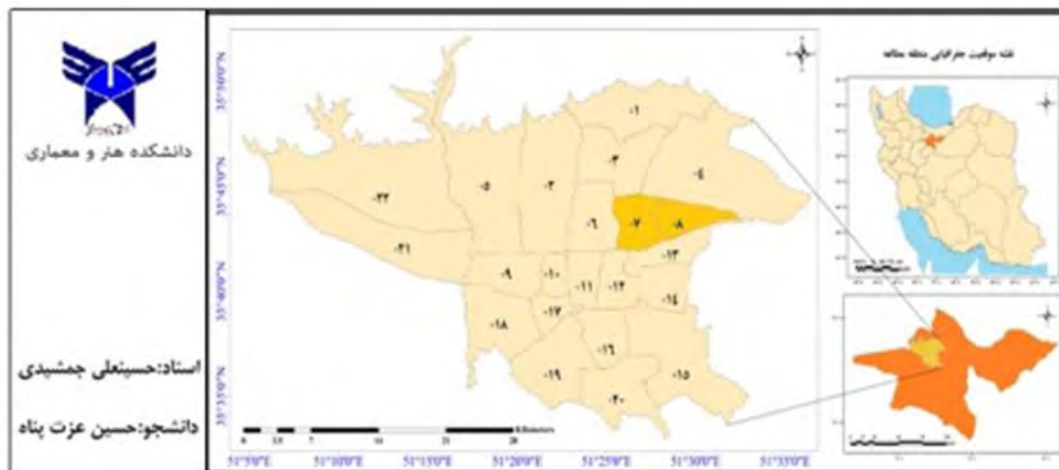
با وجودیکه در برخی مراجع مانند مجموعه مقررات ملی ساختمان، قوانین و توصیه‌هایی درباره مباحث کیفی از جمله آسایش حرارتی با مصوبه اجرایی وجود دارد، اجرای کامل آنها به تاخیر می‌افتد. رفع معضل کمبود فضای نیمه باز و باز در خانه‌های امروز با تکرار معماری تاریخی ممکن نیست، اما می‌توان در چند بخش به اصلاح این موضوع پرداخت که یکی از آنها، فرهنگ‌سازی برای کاربران (مصرف‌کنندگان) و نیز تنظیم ضوابط تشویقی برای تولیدکنندگان است. هنگام نوسازی می‌توان کیفیت کالبدی خانه را ارتقاء بخشید و با بهسازی می‌توان فضاهای باز و نیمه باز موجود را برای کاربردهای مناسب ساماندهی کرد. رفع این چالش نیازمند بازنگری درباره فضای باز و نیمه-

باز مسکونی است، با انجام مطالعات میان رشته‌ای از جمله در حیطه روان‌شناسی و نظرسنجی‌های جدید می‌توان به راهکارهای موثری دست یافت و برونداد این تحقیقات می‌تواند ضوابط پیشنهادی، ایده‌های طراحی معماری و الگوهای طراحی برای شهرسازی باشد (ابراهیمی اصل و همکاران، ۱۳۹۷). در مطالعه‌ای با عنوان عنصر بالکن و بررسی کارایی اقلیمی آن در ساختمان‌های مسکونی شهر تبریز به این نتیجه رسیدند که با توجه به اهمیت معماری پایدار و سبز در جهان جایگاه ویژه‌ای دارد، کاهش مصرف انرژی‌های تجدیدناپذیر و استفاده حداکثر از انرژی‌های پایدار و سبز از جمله انرژی حرارتی خورشیدی مورد توجه معماران و طراحان ساختمان می‌باشد. از اینرو توجه به اقلیم و شرایط اقلیمی هر منطقه و طراحی بر اساس شرایط اقلیمی به خصوص در اقلیم سرد و خشک مانند تبریز اهمیت زیادی دارد. اما با این حال اندازه عمق بالکن بر اساس مقررات ملی ساختمان منطبق با شرایط اقلیمی در شهر تبریز نمی‌باشد و مانع نفوذ کامل آفتاب به فضای داخلی می‌شود. همچنین چرخش ۱۵ درجه‌ای ساختمان به سمت جنوب و جنوب شرقی باعث افزایش نفوذ آفتاب به اندازه ۱۷ سانتی‌متر به فضای داخلی در ضلع جنوبی می‌شود

محدوده مورد مطالعه

منطقه ۷ تهران به عنوان قلب شهر تهران، از شمال به بزرگراه رسالت، از جنوب به خیابان‌های انقلاب و دماوند، از شرق به خیابان استاد حسن بنا و سبلان و از غرب به بزرگراه شهید مدرس و خیابان مفتاح محدود می‌گردد. منطقه ۷ وسعتی معادل ۱۵۳۳۵۲۱۲.۴۱ متر مربع دارد که ۱.۲ درصد مساحت کل شهر تهران است (شکل ۳) و از لحاظ وسعت مقام پانزدهم را در بین مناطق شهر تهران دارا می‌باشد. جمعیت ساکن منطقه ۱۹۴.۳۱۲ نفر و جمعیت متغیر روزانه ۷۴۱.۳۶ نفر می‌باشد که نسبت به جمعیت شهر تهران ۳.۸۳٪ است. رتبه منطقه از لحاظ جمعیتی در بین مناطق ۱۲ می‌باشد. این منطقه که در قلب تهران قرار گرفته دارای ۵ ناحیه و ۱۶ محله است. محلات گرگان، نظام آباد، عباس آباد، عشرت آباد و اندیشه از محلات مشهور این منطقه هستند (لطفی و همکاران، ۱۳۹۹). منطقه ۸ تهران نیز با مساحت ۱۳۳۹ هکتار و جمعیت ۳۷۷۸۰۶ در محدوده شرقی تهران قرار دارد. این منطقه به طور کلی، از لحاظ تقسیمات شهرداری، از شمال و شمال شرقی به بزرگراه رسالت، از جنوب به خیابان دماوند، از غرب به خیابان سبلان جنوبی و استاد حسن بنا منتهی می‌گردد (شکل ۳). این منطقه به لحاظ هم - جواری، از شمال و شمال شرقی به منطقه ۴ تهران و از جنوب و شرق به منطقه ۱۳ و از غرب به منطقه ۷ شهرداری تهران محدود شده است (ارغان، ۱۳۹۵).

شکل ۳. موقعیت جغرافیایی مناطق ۷ و ۸ شهرداری تهران



(منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰)

یافته های پژوهش

جهت دستیابی به اطلاعات جامع و شامل از وضع موجود، سعی شده است که جامعه آماری در حد امکان بزرگ در نظر گرفته شود تا علاوه بر اعتبار بایسته، تمام جوانب و زوایای موضوع را در بر داشته باشد. با توجه به اینکه تمام قشرهای سنی از بالکن استفاده می کنند سعی شد تا نظر تمام گروه های سنی از ۱۰ تا ۸۰ ساله جمع آوری شود. در این راستا بالغ بر ۱۰۰ بالکن بررسی و برداشت تصویری شدند و از ساکنان ۱۰۰ خانه با پرسش نامه مصاحبه به عمل آمد. به کارگیری شیوه های معماری جدید در تهران و تأثیر زیاد آن بر دیگر شهرها از سویی و سیر مسکن آن به سمت آپارتمان نشینی از سوی دیگر سبب شد تا این شهر برای مطالعه انتخاب شود. با توجه به کیفیت نسبی و کمیت قابل توجه آپارتمان های ۳ تا ۱۰ طبقه، این طیف از خانه ها بررسی شدند. برای دستیابی به نتایج جامع و نمونه یگیری مناسب، مناطقی از شهر که ساخت و سازهای جدید در آنها بیشتر انجام گرفته و با سپری شدن زمانی حدود سه تا پنجاه سال از زندگی در این گونه مسکن، ساکنان آن تمام مشکلات و نابسامانی های بالکن های موجود را درک کرده اند، انتخاب شد. لذا به طور تصادفی، مکان هایی در مناطق ۷، ۸، تهران و پردیس و پرنده مشخص شد و آپارتمان های آن مورد مطالعه قرار گرفتند. جهت برقراری تعادل جنسیتی بین پرسش شوندگان، بعد از ظهرهای پنج شنبه که اکثر شاغلین (مردها) خانه هستند، انتخاب شد. لذا به طور تصادفی، مکان هایی در این محله مشخص شد و آپارتمان کهای آن مورد مطالعه قرار گرفتند. با برقراری تعادل، پرسش شوندگان از هر طیفی (مرد، زن، خردسال، جوان، میانسال، پیر) انتخاب شده و برای ارتباط مستقیم با ساکنین هماهنگی های لازم با مدیریت ساختمان ها به عمل آمد.

در این پژوهش محاسبه میانگین یا معادل در SPSS به دو منظور صورت می گیرد. با فرض اینکه یک پرسشنامه دارای ۱۰ سوال باشد و برای پاسخ گویی به سوالات نیز از طیف ۵ گزینه ای لیکرت استفاده شده باشد، معمولاً برای محاسبه امتیاز پرسشنامه از مجموع یا میانگین پاسخ سوالات هر پرسشنامه برای تحلیل و مقایسه، استفاده می کنند. در اینجا باید از مقدار همه متغیرهای یک مشاهده استفاده کرده و میانگین گرفت. با توجه به شیوه ورود اطلاعات، این نوع میانگین گیری در SPSS به نام میانگین مشاهدات شناخته می شود.

در ادامه متغیرهای مورد نظر در این فایل اطلاعاتی، معرفی شده‌اند. همانطور که در جدول ۱ می‌بینید، مشاهدات براساس ۱۰ پرسش یا متغیر تنظیم شده و به بررسی دیدگاه مخاطبین از بالکن (ایوانک) در بین افراد پرداخته است. در این پژوهش، ۳۰ نمونه، براساس ترکیب عوامل فوق، به نحوی که همه شاخص‌ها را پوشش دهد، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. قدمت بنا در سه بازه کمتر از ۱۰ سال، ۱۰ - ۳۰ سال و بیش از ۳۰ سال مورد بررسی قرار گرفت. زیربنای ساختمان در سه بازه ۶۰ - ۱۰۰ متر، ۱۸۰ - ۱۰۰ متر و ۲۵۰ - ۱۸۰ مترمربع بررسی شد و برای دخیل نمودن شاخص طبقه اجتماعی، نمونه‌ها از سه حوزه تهران، شهر جدید پردیس و شهر جدید پردیس و همچنین چند نمونه ساختمان ویلایی در حوزه‌های شمال، مرکز و جنوب تهران انتخاب شدند.

جدول ۱. پرسشنامه مربوط به محاسبه میانگین در SPSS

شماره	شرح عوامل	بسیار مخالف	مخالف	بی تفاوت	موافق	بسیار موافق
۱	اشراف و دید از واحدهای مجاور یا مقابل					
۲	اشراف از گذر					
۳	دسترسی از فضای مسکونی نامناسب به ایوان					
۴	پاسخگویی به فعالیت‌های سکونتی به دلیل کمبود جا و عدم پیش‌بینی آن					
۵	مساحت کم و عدم فعالیت روزمره					
۶	عدم تأمین شرایط اقلیمی مساعد متأثر از باد، بارش، تابش و غیره					
۷	دید و منظر نامناسب					
۸	نیاز به شست و شوی دائم و عدم سهولت آن					
۹	عدم تأمین ایمنی و خطرناک بودن رفت و آمد در ایوان، به خصوص برای کودکان					
۱۰	عدم حفظ امنیت واحد مسکونی در صورت باز بودن و رفت و آمد دائم به آن					

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

در جدول فوق، معادل عددی دیدگاه مخاطبین (طیف پاسخ) بدین شرح است: بسیار مخالف ۱، مخالف ۲، بی تفاوت ۳، موافق ۴، بسیار موافق ۵.

دلایلی مانند اشراف و دید از واحدهای مجاور و مقابل، اشراف از گذر، دسترسی از فضای مسکونی نامناسب به ایوان، پاسخگویی به فعالیت‌های سکونتی به دلیل کمبود جا و عدم پیش‌بینی آن، عدم تأمین شرایط اقلیمی مساعد متأثر از باد، بارش، تابش، دید و منظر نامناسب، نیاز به شست و شوی دائم و عدم سهولت آن، عدم تأمین ایمنی و خطرناک بودن رفت و آمد در ایوان، به خصوص برای کودکان و عدم حفظ امنیت واحد مسکونی در صورت باز بودن و رفت و آمد دائم به آن از دلایل مخالفت ساکنان با ایوان در ساختمان‌ها بوده است و در محیط نرم افزار SPSS بر اساس طیف لیکرت نمره ۱ به این موارد اختصاص داده شده است.

-ضرورت وجود بالکن از نظر ساکنین

با توجه به نتایج حاصله از پرسش نامه‌ها می‌توان گفت که وجود بالکن (ایوانک) یکی از ضروریات غیر قابل چشم پوشی در مسکن آپارتمانی است. از میان مصاحبه شونده‌گان بالغ بر ۹۰ درصد ساکنین وجود آن را یکی از

مهم‌ترین شاخصه‌های مسکن مطلوب می‌دانند. گرچه مشکلاتی مانند محرمیت نداشتن و کوچک بودن مانع استفاده کامل و در حد ظرفیت بالکن است اما با این وجود ۶۰ درصد ساکنان به خاطر عملکردهای مانند خشک کردن البسه، نگهداری وسایل سبک و قرار دادن تأسیسات مکانیکی از بالکن‌های موجود رضایت دارند. با توجه به مصاحبه‌های به عمل آمده می‌توان گفت که این رضایتمندی در ترجیح وجود بالکن بر نبودن آن است.

-نظرات و دلایل رضایتمندی از بالکن در آپارتمان‌های مسکونی:

دلایل رضایتمندی ساکنان از بالکن در آپارتمان‌های مسکونی به شرح زیر است:
تأمین نور کافی برای فضاهای داخلی، استفاده از نور خورشید برای خشک کردن لباس‌ها، ایجاد فضایی برای گلدان.

برای تهویه (ایوان یک فیلتر فضایی و فصل مشترک بین دو فضای باز و بسته است).
استفاده از منظره‌های بیرون، ایجاد آرامش (استراحت در هوای آزاد). رفع دل‌مردگی و بی‌حوصلگی، دور هم نشینی و صرف غذا.

در شرایط قرنطینه و سکونت اجباری و طولانی مدت مثل شرایط فعلی کرونا بالکن بسیار ضروری است.
مأمن اهل خانه در شب‌های تابستان است. خستگی روز را با دیدن آسمان و ستارگان به آرامش تبدیل می‌کند.
جلوی تابش مستقیم آفتاب را گرفته و فضای پشت آنها در تابستان خنک می‌ماند. و در فصول سرد، گرمایی که در روز توسط ایوان گرفته می‌شود، در هنگام غروب آفتاب این گرما به محیط اطراف پس داده می‌شود و در تعدیل دما موثر است. مانع از رسیدن باران به بدنه بنا می‌شود.

از مواردی که ساکنان به عنوان دلیل استفاده نکردن از بالکن عنوان کرده‌اند، نداشتن محرمیت، جانمایی غلط از لحاظ طراحی فضای معماری، موقعیت نامناسب در جهات اقلیمی، عدم احساس نیاز به فضای بالکن، مساحت کم فضای بالکن، سایر موارد (عدم امنیت، فقدان فضای سبز و...) می‌باشد.

جانمایی صحیح بالکن و اتصال به فضای پذیرایی از جمله ویژگی‌های مورد تأکید اکثر ساکنان است.
در صورتی که بالکن به فضاهای خواب متصل باشد، به دلیل قرارگیری در حریم خصوصی واحد مسکونی، کاربری آن به عملکردهای خاص و شخصی محدود می‌شود.

جدول ۲. خلاصه نتایج تحلیل مصاحبه‌ها در مجموعه‌های مسکونی در خصوص فضای بالکن

مجموعه مسکونی	تعداد واحد	شهر	ابعاد بالکن	قدمت (سال)	نکات مستخرج از مصاحبه با کارکنان
پارس	۳۶۰	تهران	۵×۱	۱۰	ساکنین طبقات پایین (تا پنج طبقه) بالکن را فضایی لازم و ضروری می‌دانند و لیکن به دلیل فاصله نزدیک با ساختمان‌های روبرویی و اشراف در دید از کاربری آن به عنوان فضایی برای نشستن رضایت ندارند. اما طبقات فوقانی با اعلام رضایت از بالکن، از عرض کم بالکن ناراضی بودند
تکش	۱۶۰	تهران	۳×۱/۵	۳۸	ساکنین این مجموعه با لازم و ضروری دانستن بالکن، بعضاً از آن به عنوان انباری استفاده کرده و ابعاد آن را ناکافی می‌دانستند.
توسان	۱۰	پرند	۲×۱/۱	۵	با وجود شرایط مطلوب و مناسب برای ایجاد بالکن با ابعاد با کاربری‌های زیاد متأسفانه به دلیل ابعاد ناکافی از فضای آن صرفاً به عنوان انبار لوازمات استفاده می‌شود.
گلدیسان	۱۸	پردیس	۳/۱×۰/۹	۱۰	به دلیل عرض ناکافی، شرایط نشستن و جمعی و خواب در آن دیده نشده

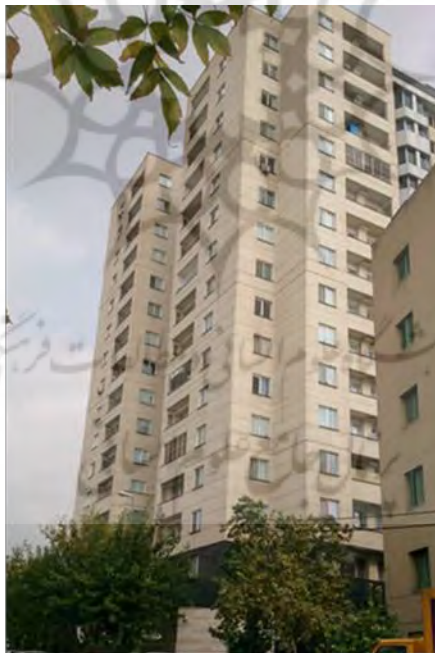
شاهمردی	۴	تهران	۱/۲×۱	۵	با وجود شرایط مطلوب و مناسب برای ایجاد بالکن با ابعاد با کاربری‌های زیاد متاسفانه به دلیل ابعاد ناکافی از فضای آن صرفاً به عنوان انبار لوازمات استفاده می‌شود.
نامجو	۲	تهران	۶×۱/۲	۴۵	به دلیل عرض ناکافی، شرایط نشستن و جمعی و خواب در آن دیده نشده است.

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

مجموعه مسکونی تکش واقع در تهران خیابان شهید مدنی - ضلع جنوبی پارک فدک (شکل ۴).
مجموعه مسکونی پارس مشتمل بر سه بلوک ۱۵ طبقه با نام‌های بستان، گلستان و مهستان در خیابان مرودشت تهران روبروی پارک قصر (زندان قصر سابق) واقع شده است. هر بلوک از ۱۲۰ واحد تشکیل شده است. مساحت واحدها از ۱۴۰ مترمربع تا ۱۶۰ متر مربع می‌باشد. واحدها دارای بالکن به طول پنج متر و عرض یک متر است (شکل ۵).

مجموعه مسکونی توسان واقع در شهر جدید پرند - فاز ۶ - بلوار کوی نور
مجموعه مسکونی گلدیسان واقع در شهر جدید پردیس، فاز یک، میدان عدالت، بلوار فروردین شمالی، خیابان
دکتر حسابی

شکل ۴: مجتمع مسکونی تکش، تهرانم



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

شکل ۵. مجتمع مسکونی پارس، خیابان مرودشت تهران



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

شکل ۶. مجتمع مسکونی گلديسان، فاز ۱ پردیس



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

شکل ۷. مجتمع مسکونی توسان، فاز ۶ پرند



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

پیش گام بودن شهر تهران در به کارگیری شیوه‌های معماری و میزان بالای تأثیر آن بر شهرهای دیگر از سویی و سیر مسکن آن به سمت آپارتمان‌نشینی از سوی دیگر سبب شد تا این شهر برای مطالعه انتخاب شود. با توجه به کیفیت نسبی و کمیت قابل توجه آپارتمان‌های ۳ تا ۱۰ طبقه، این طیف از خانه‌ها بررسی شدند. برای دستیابی به نتایج جامع و نمونه‌گیری مناسب، محله منیریه از شهر که ساخت و سازهای جدید در آنها بیشتر انجام گرفته و با سپری شدن زمانی حدود سه تا پنجاه سال از زندگی در این گونه مسکن، ساکنان آن تمام مشکلات و نابسامانی‌های بالکن‌های موجود را درک کرده‌اند، انتخاب شد. (شکل ۸).

شکل ۸. خانه‌های قدیم و جدید در تهران



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

در شکل ۸، ساختمان جدید و قدیم در کنار هم، به وضوح نمایانگر کم رنگ شدن بالکن در ساخت و سازهای جدید و بی‌توجهی به ارتباط فضای مسکونی با فضای خارج از آن است. آپارتمان‌های با مساحت کم، نور ناکافی، تهویه نامناسب و فاقد فضاهای نیمه‌باز مانند بالکن از چالش‌های امروز زندگی شهرنشینی است که به گفته کارشناسان باید با فرهنگ‌سازی، برنامه‌ریزی، اجرای ضوابط شهرسازی و ساخت و سازهای علمی نسبت به رفع آن اقدام کرد.

جامعه مورد مطالعه تحقیق، ساختمان‌های مسکونی متداول از سه حوزه مرکز تهران، شهر جدید پردیس و شهر جدید پرند بوده است. برای انتخاب جامعه آماری تحقیق از نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. برای این منظور معیارهای انتخاب جامعه آماری براساس شاخص‌هایی که پیش‌تر به عنوان «شاخص‌های مؤثر بر کیفیت فضاهای نیمه باز خصوصی» استخراج شدند، تبیین شد. مهم‌ترین معیارهایی که بتوانند تعدد نمونه‌ها در راستای شاخص‌های مذکور را پوشش دهند، عبارتند از:

* قوانین و مقررات ساخت و ساز که منجر به شکل‌گیری الگوهای حجمی در ساختمان‌ها شده است.

* میزان فضای اختصاص داده شده به کاربری‌های مختلف بسته و نیمه باز.

* الگوی سکونت براساس طبقه بندی اجتماعی.

براین اساس، مهم‌ترین شاخص‌هایی که انتخاب نمونه براساس آن تعریف شد، به شرح زیر تعیین شدند:

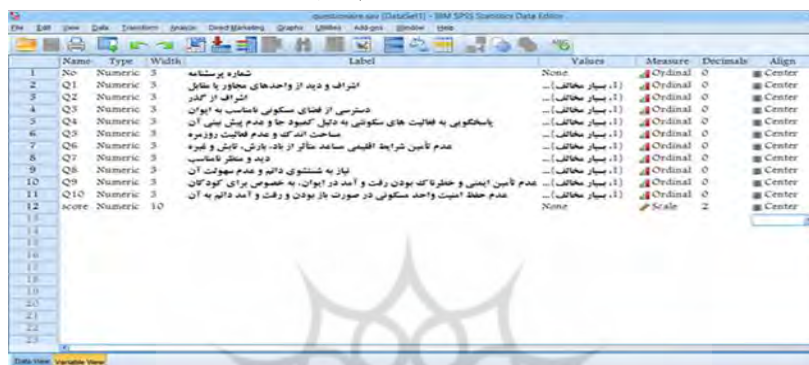
*زمان ساخت بنا (قدمت) که در واقع منعکس کننده اصول و ضوابط حاکم بر ساخت و ساز در دوران خود است.

*زیربنا که سطح اختصاص یافته به کاربری‌های مختلف، تقریباً در آن مستتر می‌باشد.

* حوزه‌های جغرافیایی، مشتمل بر شمال، میانه و جنوب که به طور تقریبی نماینده طبقات اجتماعی شهر تهران محسوب می‌شوند و همچنین آپارتمان‌های مسکونی شهر جدید پردیس و شهر جدید پرند می‌باشند.

نحوه تعریف متغیرها در نرم‌افزار SPSS برای این سوالات در شکل ۹ قابل مشاهده است. البته بهتر است برای هر پرسشنامه یک شماره نیز در نظر گرفت. این کار در جستجوی پاسخ‌ها و بررسی مجدد مقادیر، بسیار موثر است.

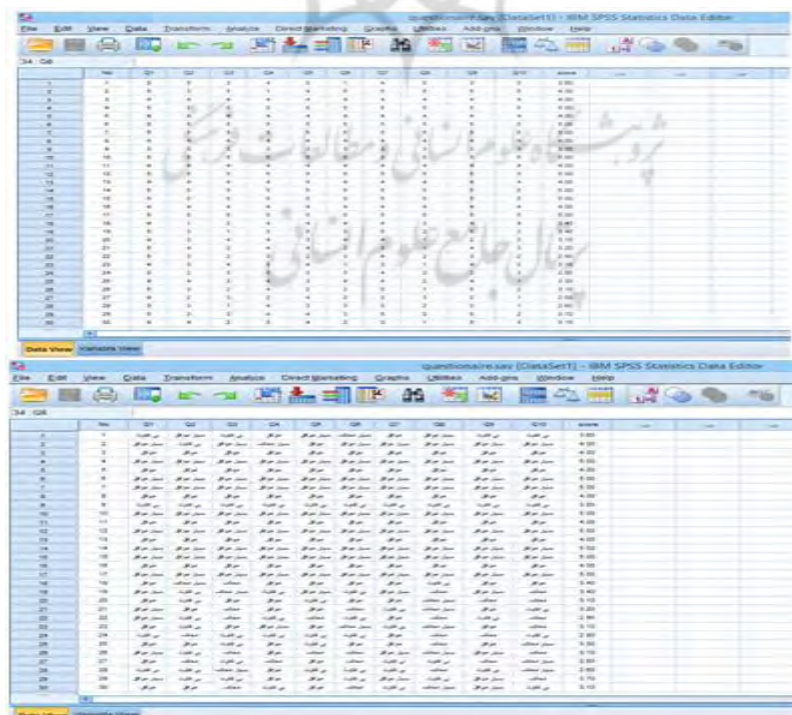
شکل ۹. ثبت داده‌ها به سیستم نرم افزاری spss



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

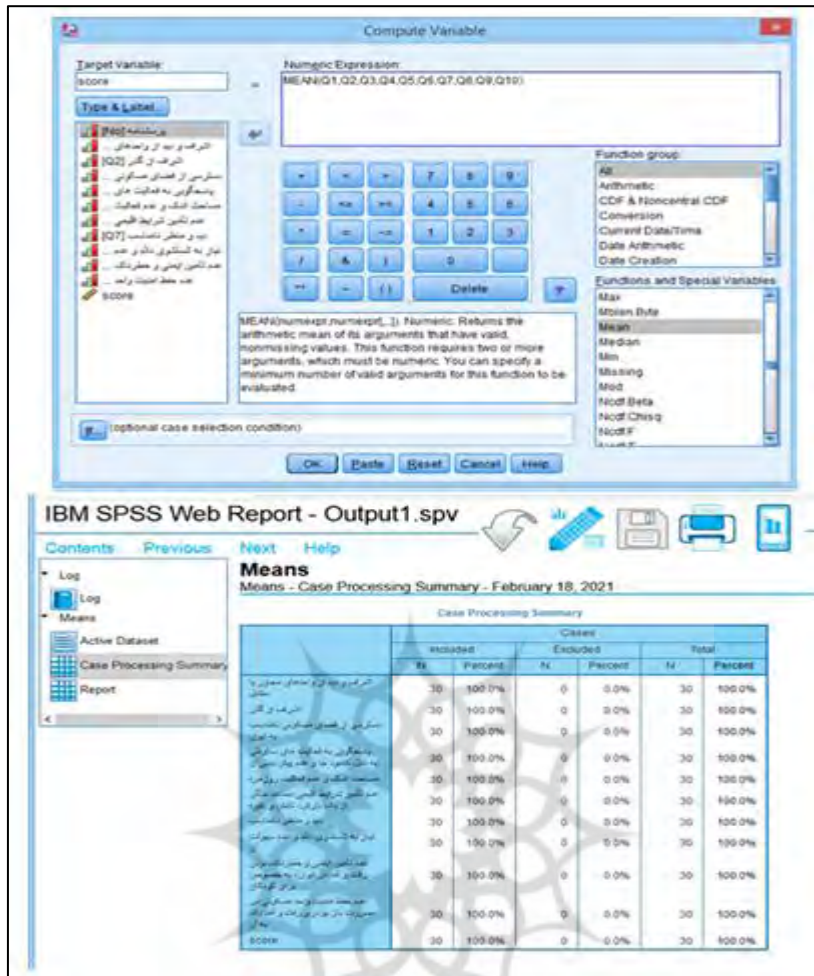
پاسخ‌های بسیار مخالف، مخالف، بی تفاوت، موافق، بسیار موافق به ترتیب با کدهای از یک تا پنج تعریف شده است.

شکل ۱۰. ثبت کد معادل پاسخ‌ها در سیستم نرم افزاری spss



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

شکل ۱۱. ثبت اطلاعات و پاسخ‌ها در فرآیند سیستم نرم افزاری spss



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

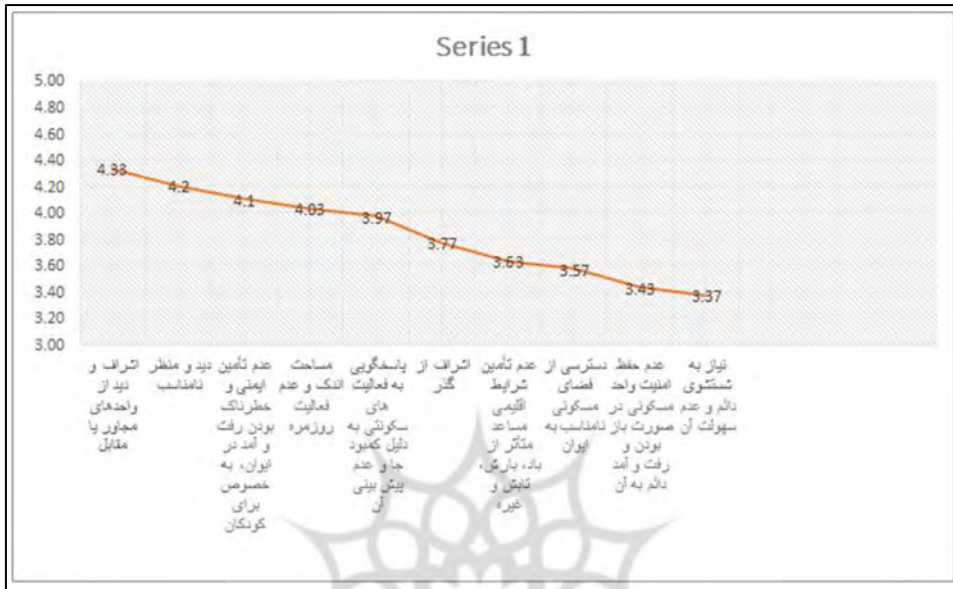
نتایج حاصل از محاسبات میانگین و انحراف معیار پرسشنامه‌ها نشان داد که میانگین سؤال اشراف و دید از واحدهای مجاور و مقابل (۴.۳۳)، اشراف از گذر (۳.۷۷)، دسترسی از فضای مسکونی نامناسب به ایوان (۳.۶۷)، پاسخگویی به فعالیت‌های سکونتی به دلیل کمبود جا و عدم پیش‌بینی آن (۳.۹۷)، مساحت کم و عدم فعالیت روزمره (۴.۰۳)، عدم تأمین شرایط اقلیمی مساعد متأثر از باد، بارش، تابش (۳.۶۳)، دید و منظر نامناسب (۴.۲۰)، نیاز به شست و شوی دائم و عدم سهولت آن (۳.۳۷)، عدم تأمین ایمنی و خطرناک بودن رفت و آمد در ایوان، به خصوص برای کودکان (۴.۱۰) و عدم حفظ امنیت واحد مسکونی در صورت باز بودن و رفت و آمد دائم به آن (۳.۴۳) از دلایل مخالفت ساکنان با ایوان در ساختمان‌ها بوده است. انحراف معیار هریک از سؤالات پرسشنامه نیز به ترتیب عبارتست از ۰.۷۱۱، ۱.۰۷۳، ۱.۲۷۸، ۰.۹۶۴، ۰.۸۹۰، ۱.۲۴۵، ۰.۷۶۱، ۱.۰۵۲، ۰.۹۹۵، ۱.۳۸۲. همانطور که از این ارقام پیداست کمترین انحراف معیار مربوط به سؤال اشراف و دید از واحدهای مجاور و مقابل (۰.۷۱۱) و بیشترین انحراف معیار مربوط به سؤال نیاز به شست و شوی دائم و عدم سهولت آن (۱.۰۵۲) بوده است. (شکل ۱۲).

شکل ۱۲. نتایج میانگین و انحراف معیار از سیستم نرم افزاری spss

Report									
	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه واحد کاربر	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه مسکنین	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه پیمانکاران	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه کارکنان	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه مدیران	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه مشتریان	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه همسایگان	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه سایر افراد	میانگین و انحراف معیار از دیدگاه کلی
Mean	4.33	3.77	3.57	3.97	4.03	3.63	4.20	3.37	3.6400
N	30	30	30	30	30	30	30	30	30
Std. Deviation	.711	1.073	1.278	.964	.890	1.245	.781	1.520	.89526

منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

شکل ۱۳. نمودار نتایج و ارقام میانگین از سیستم نرم افزاری spss



منبع: نویسندگان، ۱۴۰۰

نتایج مجموعه اشکال ۱۲ و ۱۳ فوق بیانگر آن است که بیشترین دلیل عدم استفاده از فضاهای باز و نیمه باز ساختمان‌های مسکونی، اشراف و دید از واحدهای مجاور یا مقابل و کمترین علت عدم استفاده، نیاز به شستشوی دائم و عدم سهولت آن بوده است.

در نمودار فوق، اشرافیت و عدم محرمیت از دلایل عمده ناکارایی بالکن مطرح شده است. برای رفع این نگرانی و موارد دیگری که منجر به سلب اعتماد و اطمینان در بهره‌وری از بالکن شده است، می‌توان پس از سنجش شرایط و محیط پیرامون، نسبت به بهینه‌سازی فضای بالکن اقدام نمود.

نتایج مربوط به محاسبه میانگین در spss نشان می‌دهد که عمده‌ترین دلیل عدم استفاده از بالکن در ساختمان‌ها اشراف و دید واحدهای مجاور (۴.۳۳) و کمترین علت عدم استفاده نیاز به شست و شوی دائم و عدم سهولت آن (۳.۳۷) بوده است (شکل ۱۲).

نتیجه‌گیری و دستاورد علمی پژوهشی

در تحقیق حاضر پس از معرفی فضای نیمه باز خصوصی، شاخص‌های استفاده مؤثر از فضای نیمه باز خصوصی شناسایی و اولویت‌بندی شد. بر اساس شاخص‌های نام برده، ابزار سنجش (پرسشنامه) تهیه و تنظیم شد. جامعه آماری، براساس سه شاخص قدمت، ناحیه قرارگیری، مساحت نمونه، انتخاب و فضای نیمه‌باز خصوصی در ۳۰ نمونه به دست آمده مورد تحلیل قرار گرفت. براساس نتایج بدست آمده، عدم شکل‌گیری فضای خصوصی مناسب و حفظ حریم شخصی در فضاهای نیمه‌باز، مهم‌ترین عامل کارکرد ضعیف فضاهای نیمه باز در واحدهای مسکونی

محسوب می‌شوند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که دید و اشراف از واحدهای مجاور و در درجه بعد از گذر، به عنوان مهم‌ترین عوامل عدم تأمین فضاهای خصوصی مناسب محسوب می‌شوند.

عدم کارکرد مناسب فضاهای نیمه باز در مورد واحدهایی که در طبقات بالاتر واقع می‌شود، عمدتاً مربوط به واحدهای مقابل می‌باشد که در تراز ارتفاعی نزدیک به هم قرار گرفته‌اند. بنابراین واحدهای طبقات بالاتر از نظر دید و اشراف از گذر با مشکل کمتری مواجه هستند. این موضوع در نمونه‌های مورد بررسی از تفاوت معناداری در واحدهای شمالی و جنوبی برخوردار نیست. مسأله مهم دیگری که بر عدم کارکرد مناسب فضاهای نیمه باز اثرگذار است و اولویت بعدی را از دید استفاده کنندگان شکل داده است، ایجاد شرایط کیفی مطلوب در فضاهای نیمه باز است. فضاهای نیمه باز در نمونه‌های بررسی شده، اغلب از دید و منظر مناسبی برخوردار نیستند و علاوه بر آن ابعاد و تناسبات آنها امکان پیش‌بینی کارکردهای مناسب برای فعال‌سازی ایوان را در اختیار نمی‌گذارد. به عنوان مثال، در اغلب این نمونه‌ها امکان قرارگیری گلدان‌های بزرگ و یا میز و صندلی یا ایزاری نظیر کباب‌پز فراهم نیست. این موضوع اغلب به دلیل عرض کم و یا به طور کلی مساحت اندک فضاهای نیمه‌باز است. عدم تأمین ایمنی کافی در جان پناه‌ها نیز از دیگر عواملی است که کارایی فضاهای نیمه باز را مختل می‌کند. شکل نامناسب جان پناه و یا عدم تأمین ارتفاع مناسب از مهم‌ترین این عوامل محسوب می‌شود. بنابراین بطور کلی می‌توان گفت که عدم کارکرد مؤثر فضاهای نیمه‌باز و هویت بخشی آن به عنوان یک فضای مستقل از یک طرف و کمبود فضاهای داخلی در پاسخ به نیازهای ساکنین در آپارتمان‌های مسکونی از طرف دیگر، موجب شده که این فضاها کارکردهای جایگزینی نظیر انبار و یا محل خشک کردن لباس‌ها یا قرار دادن بشقاب‌های ماهواره را پیدا کنند.

همچنین عدم پیش‌بینی‌های لازم برای مکانیابی تأسیسات حرارتی و برودتی، گاه فضاهای نیمه باز را به محل قرارگیری اینگونه تأسیسات تبدیل می‌کند. دسترسی از فضاهای مناسب (نفوذپذیری) و تأثیر شرایط اقلیمی نیز از عوامل بسیار مهمی در کارکرد فضاهای نیمه باز محسوب می‌شوند که از دید استفاده کنندگان اهمیت کمتری نسبت به عوامل دیگر داشته‌اند. دلیل اصلی این موضوع، عدم اهمیت ایوان به عنوان یکی از فضاهای سکونتی است که موجب شده تأثیر عوامل فوق‌الذکر کمتر مورد توجه قرار گیرند. اما چنان که عامل‌های بازدارنده‌ای که اولویت بیشتری داشته‌اند، رفع شوند، به طور قطع تأثیر دو عامل ذکر شده بیشتر قابل درک خواهد بود.

همچنین نتایج پژوهش نشان می‌دهد که تأمین امنیت، به عنوان کم‌اولویت‌ترین عامل از دید ساکنین شناخته شده و دلیل آن، مشکلات کمتر واحدهای طبقات فوقانی ساختمان‌های میان مرتبه و بلندمرتبه از نظر امنیت است. به طوریکه در نمونه‌های بررسی شده، ساختمان‌های ویلایی و همچنین واحدهای طبقات اول و گاه دوم در آپارتمان‌ها با مشکل امنیت فضاهای نیمه‌باز روبه‌رو بوده و ترجیح می‌دادند که با ایجاد حفاظ و گاه بسته نگاه داشتن ورودی فضاهای نیمه باز، امنیت آن را تأمین نمایند.

بطور کلی عوامل ذکر شده در آمیختگی با الگوی سکونت درونگرایی ساکنین، در کنار اولویت‌های اقتصادی سازندگان، فضاهای نیمه‌باز را به فضاهایی بی‌اهمیت در الگوی کالبدی مسکن در آپارتمان‌های جامعه نمونه تبدیل کرده است. آسیب‌شناسی ارائه شده و اولویت‌بندی آن می‌تواند، نقش بسزایی در شناخت مشکلات مرتبط و اصلاح آن در قالب قوانین و یا الگوهای طراحی ایفا نماید.

انسان به صورت ذاتی با مکان پیوند اجتماعی دارند. اما در دهه های اخیر مسائلی همچون از نظر دور نگه داشتن نیازهای ذهنی و کیفی استفاده کنندگان و نگاه صرف اقتصادی و تأکید بر ویژگی های کالبدی مسکن، موجب کاهش تأثیر مسکن به عنوان معرف خصوصیات انسان ها شده است. با اینکه امروزه یکی از مسائل کم اهمیت در برنامه ریزی مسکن مسائل کیفی به ویژه تأثیر ارزش های فرهنگی است که منجر به شکل گیری معماری ناآشنایی شده است. اما در خانه های سنتی، توجهی همزمان و هماهنگ به شکل و فرم ساختمان و سبک زندگی می شده است. این امر موجب می شد که ارتباطی میان زندگی و دیگر اجزای برجسته خانه ایرانی، همچون طبیعت، زندگی اجتماعی، انعطاف پذیری فضایی، همسایگان، زیبایی شناختی و حس تعلق برقرار شود.

بطور کلی نتایج حاصل از بررسی کارایی بالکن در ساختمان نشان می دهد که علیرغم باور عمومی به تأثیرات فراوان بالکن به عنوان حلقه ارتباطی فضای داخل آپارتمان با فضای بیرون، دلایلی مانند نداشتن حریمت، جانمایی غلط از لحاظ طراحی فضای معماری، موقعیت نامناسب در جهات اقلیمی، مساحت کم فضای بالکن و مواردی مانند عدم امنیت، فقدان فضای سبز و... موجب عدم استفاده مناسب و کارایی بالکن در ساختمان شده است. بطوریکه جانمایی صحیح بالکن و اتصال به فضای پذیرایی از جمله ویژگی های مورد تأکید اکثر ساکنان است که در اکثر ساختمان های مورد بررسی به این امر توجهی نشده است. زیرا در صورتی که بالکن به فضاهای خواب متصل باشد، به دلیل قرارگیری در حریم خصوصی واحد مسکونی، کاربری آن به عملکردهای خاص و شخصی محدود می شود. اندازه و تناسب بالکن یکی از عوامل تعیین کننده نوع استفاده از بالکن است. به عنوان مثال، عرض کم، بسیاری از کاربردهای بالکن را منتفی می سازد. این امر حتی باعث شده است که در مواردی بالکن توسط ساکنان بسته شود. شیوه بستن به گونه ای است که نمای بیرونی بالکن ها، شبیه پنجره است و عملکرد آنها در فضای داخلی به شکل انبار است. علت این تغییر، جانمایی اشتباه در فضاهای داخلی، موقعیت اقلیمی نامناسب، عدم احساس نیاز به فضای بالکن و مساحت کم بالکن عنوان شده است.

وجود کاستی های فوق الذکر در ساختمان ها در حالی است که می توان با اجرا و رعایت ضوابط صحیح و کاربردی، بالکن را جایگزینی موثر برای ایفای وظایف ایوان در ساختمان های آپارتمانی به حساب آورد. اصول مهم در جایگزینی مناسب بالکن عبارتند از:

- بالکن به عنوان فضایی الزامی در معماری واحدهای مسکونی در نظر گرفته شود.
- مساحتی متناسب با سطح واحدهای مسکونی و با عرض حداقل ۱/۵ متر برای بالکن پیش بینی شود.
- برای طرح های فاقد بالکن پروانه ساختمانی نشود و در زمان اتمام کار برای شرایطی که بالکن از استانداردهای لازم خارج شده باشد، گواهی پایان کار ساختمان صادر نشود.
- از بلند مرتبه سازی در کوچه و خیابان های باریک که منجر به ایجاد ناهنجاری در بافت مجموعه خواهد شد اجتناب شود.

- شیوه نامه ای در خصوص ساخت و ساز در مناطق شهری در کمیته ای متشکل از متخصصان رشته های معماری و شهرسازی، عمران، تاسیسات، روان شناسی، اقتصاد، علوم اجتماعی، زلزله، آتش نشانی، انتظامی، آموزشی و تربیتی و... تهیه و به عنوان مرجع در اختیار مراجع قانونی قرار داده شود.

- بالکن با فضای کافی، قابلیت نشستن، خوابیدن و صرف غذا را داشته باشد (شکل ۷).
- با نظارت مستمر، از ساخت و سازهای غیر مجاز پیشگیری شده و از شهرفروشی به بهانه کسب درآمد جداً خودداری شود.
- توجه به جزئیات بالکن (همچون نماسازی) باعث می‌شود این مکان به فضایی جذاب و سرگرم کننده برای هم‌نشینی دوستان و خانواده در روزهای تابستانی تبدیل شود (شکل ۱۴). بنابراین با استفاده از قوه خلاقیت خود می‌توانید نظر افرادی که پا در خانه شما می‌گذارند را جلب نمایید.

شکل ۱۴. نمونه مناسب طرح بالکن



(منبع: نویسندگان)

تقدیر و تشکر:

این پژوهش مستخرج از کار پژوهشی مستقل بوده و با حمایت مالی سازمانی انجام نشده است.

منابع

- ابراهیمی اصل، حسن؛ کلانتر، رامین؛ حاجی ولیلی، الناز. (۱۳۹۷). عنصر بالکن و بررسی کارایی اقلیمی آن در ساختمان‌های مسکونی شهر تبریز بر اساس ضوابط ارائه شده مقررات ملی ساختمان. فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست. doi: 10.22034/jest.2018.12741.2124
- اختیاری، مریم. (۱۳۹۱). بررسی مفهوم های خواست و نیاز انسان در روان‌شناسی و تاثیر آنها بر معماری. صغه، (۵۷)، ۳۱-۴۶.
- ارغان، عباس. (۱۳۹۵). بررسی مطلوبیت موقعیت مکانی مراکز مدیریت بحران در راستای دستیابی به یک مدل راهبردی (مطالعه موردی: منطقه ۸ شهر تهران). فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، ۹(۱)، ۱۶۹-۱۸۶.
- اسلامی، سید غلامرضا و ایروانی، هوتن. (۱۳۸۷). تراکم ساختمانی و توسعه درون‌زا (نمونه موردی: شهر اصفهان). هویت شهر، ۲(۳)، ۳-۱۲. <https://www.sid.ir/fa/journal/ViewPaper.aspx?id=10461>

- بیلان اصل، لیدا؛ اعتصام، ایرج؛ اسلامی، غلامرضا. (۱۳۹۰)، نقش فضای بینابین در هویت بخشی به گستره‌ی فضایی بافت‌های تاریخی، هویت شهر. ۵ (۸)، ۷۱-۵۹.
- پیرنیا، محمد کریم. (۱۳۷۰). شیوه‌های معماری ایرانی، تهران، هنر.
- جهاندار، نسیم؛ لفافچی، مینو. (۱۳۹۶). انسان- طبیعت- معماری، تهران، عصر کنکاش.
- حائری، محمد رضا. (۱۳۸۸). نقش فضا در معماری ایران. تهران، دفتر پژوهشهای فرهنگی.
- حائری، محمد رضا. (۱۳۸۸). خانه، فرهنگ طبیعت، تهران، مرکز تحقیقات و مطالعاتی شهرسازی و معماری.
۱۰. خاک‌پور، مژگان. (۱۳۸۴). مسکن بومی در جوامع روستایی گیلان. هنرهای زیبا، (۲۲): ۷۲-۶۲.
۱۱. داراب، دیبا و یقینی، شهریار. (۱۳۷۲). تحلیل و بررسی معماری بومی گیلان. مجله معماری و شهرسازی، (۲۴)، ۱۶-۶.
- فلاح، محمد صادق؛ شهیدی، صمد. (۱۳۸۹). تحولات مفهوم طبیعت و نقش آن در شکل‌گیری فضای معماری. هنرهای زیبا. (۴۲)، ۴۶-۳۷.
- فراستی، فرناز؛ مظفر، فرهنگ؛ نصراللهی، فرشاد و مولایی هاشجین، نصرالله. (۱۳۹۷). تحلیل کیفیت محیطی فضاهای داخلی مسکن بومی نواحی کوهستانی گیلان با تاکید بر آسایش حرارتی (مطالعه موردی: روستای دوسالده، رودبار)، مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۳(۱): ۱-۱۷.
- کلانتری-خلیل-آباد، حسین؛ دانش، جابر. (۱۳۸۹). آشنایی با مبانی و اصول معماری و شهرسازی، تهران، پژوهشکده فرهنگ و هنر جهاد دانشگاهی.
- گلایی، بایزید؛ بایزیدی، قادر؛ طهماسبی، ارسلان و سحابی، جلیل. (۱۳۹۸). پدیدار شناسی ادراک حسی و تجربه ادراکی خانه بومی (مطالعه موردی مدبق خانه‌های منطقه موکریان). مطالعات برنامه ریزی سکونتگاه‌های انسانی، (۴): ۹۱۳-۹۲۹.
- لفافچی، مینو؛ جهاندار، نسیم. (۱۳۸۹). حریم و مرزهای بینابینی در فضای معماری سنتی ایران با رویکردی بر ترویج الگوی بومی در معماری معاصر ایران. همایش ملی صد سال معماری و شهرسازی معاصر ایران. سازمان نظام مهندسی ساختمان استان البرز.
- لطفی، صدیقه؛ نیک پور، عامر؛ اکبری، فاطمه. (۱۳۹۹). سنجش و ارزیابی ابعاد کالبدی تاب‌آوری شهری در برابر زلزله (مطالعه موردی: منطقه ۷ شهر تهران). فصلنامه علمی و پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، (۴): ۱۲-۳۶.
- معماریان، غلامحسین. (۱۳۸۷). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی «گونه شناسی برون‌گرا»، تهران، موسسه فرهنگی سروش دانش.
- منتظر حجت، شقایق. (۳۱۱۱). مجموعه مسکونی آینه خانه در شهر اصفهان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه هنر تهران.

مولایی هاشجین، مهسا؛ کریمی آذری، امیررضا؛ کریمی، باقر و مهدی نژاد، جمال‌الدین. (۱۴۰۰). تحلیل و ارزیابی شاخص‌های کالبدی موثر بر سرزندگی (مطالعه موردی: مجتمع‌های مسکونی شهر رشت)، مطالعات برنامه‌ریزی سکونتگاه‌های انسانی، ۱۶(۱): ۱۲۵-۱۳۸.

نورمحمدی، سوسن. (۱۳۸۸). ضرورت درک سرشت فضای معماری با استناد به رویکردهای معاصر مبتنی بر طبیعت. هنرهای زیبا. (۳۷)، ۵۸-۴۹.

نقی‌زاده، محمد. (۱۳۷۹). رابطه هویت سنت معماری ایران با مدرنیسم و نوگرایی. هنرهای زیبا. (۷)، ۹۱-۷۹. یعقوبی، مرتضی؛ هرکیش، هیرو. (۱۳۹۳). نقش فضای بینابین در طراحی معماری، همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار. همایش ملی معماری، شهرسازی و توسعه پایدار با محوریت خوانش هویت ایرانی اسلامی در معماری و شهرسازی.

Anabestani, A. (2009). The physical effects of second homes on rural development: Case Study :rural village in Mashhad. *Rural & Development Journal*. 12(4), 149-166. (In Persian.)

Bariski, J., & Wesolowskn, M. (2010). Transformations in housing construction in rural areas of Poland's Lublin region—Influence on the spatial settlement structure and landscape aesthetics. *Landscape and Urban Planning*, 94(2), 116-126.

Baycan-Levent, T., & Nijkamp, P. (2006). Quality of Urban Life: A Taxonomic Perspective, *journal of student in regional science*. 36(2), 269-28.

